

پرسش ۳۰۹: نظر در باب صحابه و تبرک جستن با قبور و دشمنی مرجعیت با دعوت

السؤال / ۳۰۹: أيها الإمام الفاضل:

س ۱: ماذا تقول عن الصحابة؟

ای امام فاضل!

سؤال ۱: نظر شما درباره‌ی صحابه چیست؟

س ۲: هل يجوز التبرك بالقبور والمشى على الجمر، وان علي مسؤال (كذا) عن الحساب يوم القيامة؟

سؤال ۲: آیا تبرک به قبور و راه رفتن بر روی آتش جایز است؟ و آیا برای انجام این کار در حساب روز قیامت بازخواست می‌شوم؟

س ۳: لماذا يقاتلونك الشيعة كالسيستاني وبعض علماء الشيعة الذين أنت منهم، والله أيها الإمام أنا أؤمن بك لكن لماذا لا تظهر وتدعو الناس إلى الحق، ولماذا أيها الإمام لا تظهر بعض المعجزات وأنا والله أول المصدقين بك لكن أيها الإمام بعض الشيعة يلعنون ويسبون الصحابة وعائشة أم المؤمنين زوجة الرسول صلى الله عليه وعلى آله وصحبه أجمعين، فهل أنت أيها الإمام ممن تلعن وتسب الصحابة؟ أيها الإمام الفاضل أنا آسف إذا كنت أثقلت عليك بالأسئلة لكن أرجوك أن تجاوبني على أسئلتني بأسرع ممكن.

المرسل: عبد الله - السعودية

سؤال ۳: چرا شیعیانی مانند سیستانی و برخی علمای شیعه که خود شما هم از جمله آنها هستی، با شما سر جنگ و کارزار دارند؟ ای امام! به خدا سوگند من به شما ایمان می‌آورم ولی چرا آشکار نمی‌شوی و مردم را به سوی حق دعوت نمی‌کنی؟ و چرا ای امام! معجزاتی ظاهر نمی‌سازی و من والله اولین کسی هستم که تو را تأیید و

تصدیق می کند. ولی ای امام! برخی شیعیان، صحابه و عایشه ام المؤمنین همسر پیامبر که صلوات و درود خداوند بر او و آل او و همه ی صحابه ی او باد را سبّ و لعن می کنند. ای امام! آیا شما هم جزو همان کسانی هستی که صحابه را سبّ و لعن می کنند؟ ای امام فاضل! اگر من با این سؤال ها بر شما گران بار شدم متاسفم ولی از شما خواهشمندم که در سریع ترین زمان ممکن به سؤال هایم پاسخ دهی.

فرستنده: عبدالله - عربستان سعودی

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

**والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة
والمهديين وسلم تسليماً.**

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و
سلم تسليماً.

ج س ۱: إن شاء الله سؤالك تقصد به من آمنوا بالرسول محمد(ص)
ونصروه ونصروا دين الله بكل ما خولهم ربهم حتى ختم لهم بخير وماتوا
على ولاية ولي الله وحجة الله وخليفة الله في زمانهم، وهؤلاء لا شك أنهم
خيرة أهل زمانهم، أما إن كنت تقصد كل من آمن بالرسول محمد(ص)
فترة من الزمن فاعلم أن من الذين آمنوا بالرسول محمد(ص) من ارتدوا
في حياته ومنهم من ارتد بعد وفاته ومنهم من أظهر ارتداده ومنهم من
أضمر عدم إيمانه، وفي القرآن بيان لحال المنافقين وفي كتب السير عند
السنة والشيعة ذكر للمرتدين.

جواب سؤال ۱: إن شاء الله منظور شما در این سؤال، کسانی هستند که به حضرت
محمد (ص) ایمان آوردند و آن حضرت را یاری کردند و دین خدا را با تمام آنچه که

خداوند ارزانی‌شان کرده بود نصرت دادند تا این که عاقبت به خیر شدند و بر ولایت ولیّ خدا و حجت خدا و خلیفه‌ی خدا در زمان‌شان وفات یافتند. بی‌تردید این افراد برترین اهل زمان خود هستند؛ ولی اگر منظور شما تمام کسانی باشد که در یک دوره‌ی زمانی به حضرت محمد (ص) ایمان آوردند، بدان که برخی از کسانی که به حضرت محمد (ص) ایمان آوردند، در زمان آن حضرت و برخی از آنها پس از وفات او مرتد شدند. برخی‌شان ارتداد خود را علنی کردند و گروهی عدم ایمان‌شان را در دل نهان داشتند. در قرآن احوال منافقین بیان شده و در کتاب‌های سیره‌ی سنّی و شیعه نیز اوضاع مرتدین ذکر شده است.

واعلم وفقك الله أن الدنيا كلها جهل إلا مواطن العلم، والعلم كله حجة إلا ما عمل به، والعمل كله رياء إلا ما كان مخلصاً، والإخلاص على خطر عظيم حتى ينظر المرء ما يختم له.

خداوند شما را توفیق دهد! بدان که دنیا سراسر جهل و عدم آگاهی است مگر جاهایی که کانون علم است و علوم، همگی حجت است (دلیل و مدرک است علیه صاحبش) مگر آنچه به آن عمل گردد و اعمال همگی ریا است مگر آنچه از روی اخلاص باشد و اخلاص هم در خطری بزرگ قرار دارد تا انسان بنگرد که پایان کار چگونه خواهد بود.

فعليك إن كنت تريد معرفة الحق أن تلتزم بقانون الله الذي أسسه منذ اليوم الأول الذي خلق فيه آدم (ع) وهو خلافة الله في أرضه: (وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً) [66]، فتؤمن بخلفاء الله وتنصرهم بكل ما خولك ربك

شما اگر طالب حق هستی، باید به قانون خداوند پای بند باشی؛ همان قانون جانشینی خدا بر زمینش که از روز نخست که در آن آدم (ع) را آفرید، بنیانش نهاد: (و چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین خلیفه‌ای قرار می‌دهم) [67]. پس به خلفای الهی ایمان بیاور و با تمام آن چه که خداوند به شما ارزانی نموده است، آنها را یاری رسان.

أما سواهم من الناس فليست مكلفاً بالإيمان بهم سواء كانوا صحابة رسول الله محمد (ص) أم غيرهم فلن يسألك الله إلا عن الإيمان بخلفائه في أرضه، فإن ختم لك بخير وأمنت بخلفاء الله في أرضه حتى آخرهم في زمانك فقد نجوت وإلا فالنار أعاذك الله منها، وهذا قانون الإيمان كما أنزله تعالى فهل تجد فيه الإيمان بأصحاب الرسل - خلفاء الله في أرضه -

در خصوص دیگر مردمان، شما مکلف نیستی که به آنها ایمان بیاوری، چه اصحاب رسول خدا حضرت محمد (ص) باشند و چه دیگران. خداوند فقط از ایمان به خلفایش در زمینش از شما سؤال و بازخواست خواهد کرد. اگر عاقبت به خیر شدی و به جانشینان خدا در زمینش تا آخرین آنها در زمانت گرویدی، نجات یافته‌ای و گرنه آتش؛ که خداوند شما را از آن در پناه خود گیرد! این همان قانون ایمان است، به همان صورت که خداوند متعال نازل فرموده. آیا در آن اثر و نشانه‌ای از ایمان به اصحاب و یاران پیامبران - جانشینان خدا در زمینش - می‌یابی؟

قال تعالى: (أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ) [68]

حق تعالی می‌فرماید: (پیامبر، خود به آن چه از جانب پروردگارش به او نازل شده است ایمان دارد و همه‌ی مؤمنان، به خدا و فرشتگانش و کتاب‌هایش و فرستادگانش

ایمان دارند میان هیچ یک از پیامبرانش فرقی نمی‌نهمیم. گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم. ای پروردگار ما! آمرزش تو را خواستاریم که سرانجام همه به سوی تو است) [69].

فعلیک الإیمان بخاتم الرسل من الله محمد(ص) والأئمة خلفاء الله في أرضه الذين هم رسل محمد(ص) للناس، وهم (١٢) إماماً و(١٢) مهدياً كما في وصية نبيكم محمد(ص) التي نقلها الشيخ الطوسي (رحمه الله) ولم ينقل أحد غيره وصية لرسول الله(ص) ليلة وفاة غيرها، والقرآن أوجب الوصية عند حضور الموت في قوله تعالى: (كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ) [70]، فلا مناص من قبول هذه الوصية اليتيمة ومن يردّها سواء من السنة أم الشيعة يتهم رسول الله محمداً(ص) بمخالفة القرآن وحاشاه(ص) من أن يخالف قول الله سبحانه.

بر شما است ایمان آوردن به خاتم فرستاده‌شدگان از جانب خداوند، حضرت محمد (ص) و ائمه که جانشینان خدا در زمینش هستند؛ همان کسانی که فرستادگان حضرت محمد (ص) به سوی مردم می‌باشند. ایشان طبق آن چه در وصیت پیامبرتان حضرت محمد (ص) آمده که فقط شیخ طوسی (رحمه الله) آن را نقل کرده و کس دیگری نقل نکرده است، ۱۲ امام و ۱۲ مهدی هستند؛ در حالی که قرآن در آیه‌ی زیر، وصیت به هنگام مرگ را واجب شمرده است: (هرگاه یکی از شما را مرگ فرارسد و خیری بر جای گذارد، مقرر شد که درباره‌ی پدر و مادر و خویشاوندان، از روی انصاف وصیت کند و این حقی است برای پرهیزگاران) [71]. بنابراین چاره‌ای جز قبول این وصیت بی‌همتا نیست و کسی که آن را رد کند، چه سنی باشد و چه شیعه، پیامبر خدا حضرت محمد (ص) را به مخالفت با قرآن متهم نموده و حال آن که از آن حضرت بسی دور است که از فرمایش خدای سبحان سرپیچی کند.

والكلام في الوصية طويل ولكن فقط اسأل نفسك وليسأل كل منصف نفسه السؤال الحتمي بعد معرفة ما روي في كتب المسلمين أن رسول الله محمداً (ص) عندما مرض بمرض الموت طلب ورقة وقلم ليكتب كتاباً وصفه رسول الله محمد (ص) بأنه كتاب يعصم الأمة التي تتمسك به من الضلال إلى يوم القيامة، فمنعه عمر وجماعة معه من كتابة هذا الكتاب في حادثة رزية الخميس المعروفة (راجع رزية الخميس في البخاري مثلاً)، فالسؤال هو: هل يقبل أحد أن يتهم رسول الله محمداً (ص) أنه قصر في كتابة هذا الكتاب المهم والذي يعصم الأمة من الضلال بعد أن كانت عنده فرصة لأيام قبل وفاته يوم الاثنين ليكتبه؟

سخن در باب وصیت بسیار است لیکن شما فقط از خودت سؤال کن و هر فرد بانصافی از خودش این سؤال حتمی را بپرسد: پس از مطلع شدن از آنچه در کتاب‌های مسلمانان روایت شده مبنی بر این که حضرت محمد (ص) هنگامی که به بیماری مرگ مبتلا شد، ورق و قلمی خواست تا نوشته‌ای بنویسد و آن گونه که خودش توصیف نمود امت متمسک به آن را تا روز قیامت از گمراهی محفوظ می‌دارد، ولی عُمر و چند نفر دیگر از همراهان او در واقعه‌ی معروف رزیه‌ی خمیس (مصیبت روز پنج‌شنبه) مانع از نوشتن این کتابت شدند (به عنوان مثال می‌توانی به رزیه‌ی خمیس در کتاب بخاری مراجعه نمایی)؛ سؤال این است: آیا کسی می‌پذیرد که پیامبر خدا حضرت محمد (ص) متهم شود به این که در نوشتن این متن مهم - که امت را از گمراهی در امان نگه می‌دارد - کوتاهی کرده باشد با این که چند روزی قبل از وفاتش در روز دوشنبه فرصت داشت تا آن را بنویسد؟!

ثم إذا علمنا أن هذا الكتاب يجب كتابته وإهماله غير جائز؛ لأنه الوصية التي أمر الله رسوله بكتابتها، بقوله تعالى: (كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ) فهل يمكن أن نقول إن الرسول ترك كتابة هذا الكتاب أو الوصية التي أمره الله بكتابتها لاعتراض عمر

وجماعة معه؟ مع أن الرسول تألم لاعتراضهم وطردهم من المجلس كما هو مذكور في حادثة الرزية (رزية الخميس)، أرجو أن تنصفوا أنفسكم وترحموها وتجيّبوا على هذا السؤال لتنجوا جميعاً بقبول وصية رسول الله محمد(ص).

در ضمن اگر ما بدانیم که نگاشتن این متن واجب بوده و سستی در آن جایز نبوده، چرا که همان وصیّتی است که خداوند با این سخنش، نوشتن آن را به پیامبر فرمان داده است: (هرگاه یکی از شما را مرگ فرا رسد و خیری بر جای گذارد، مقرر شد وصیت کند) آیا می‌توانیم مدعی شویم که پیامبر به خاطر اعتراض عمر و گروه همراه او، نگاشتن این متن یا وصیّت را که خداوند نوشتنش را به او فرمان داده، ترک گفته باشد؟ و حال آن که پیامبر از اعتراض این عده متألّم و ناراحت شد و آنها را از مجلس خود بیرون راند همان گونه که در حادّته‌ی رزیه‌الخمیس ذکر شده است. امیدوارم با خودتان منصف باشید و بر خود رحم کنید و به این سؤال پاسخ دهید تا همگی با قبول وصیّت پیامبر خدا حضرت محمد (ص) نجات یابید.

ج س ۲: أما قضية التبرك بالقبور باعتبارها أماكن ضمت أجساد أولياء الله وبالتالي فهي نافذة لأرواحهم المقدسة إلى هذا العالم فقد أقرها القرآن وحث عليها، قال تعالى: (وَكَذَلِكَ أَغْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا) ([72])، فلو كان باطلاً قول من أرادوا وبنوا مسجداً على قبور أصحاب الكهف لأنكره الله وبين بطلانه، فإهماله والحال هذا يكون إغراء بالباطل وحاشاه سبحانه أن يغري ويخدع عباده بالباطل، فتبين أن قول: (الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا) هو الحق من الله، وإن التبرك بالقبور من دين الله ولا قيمة ولا اعتبار لأي حديث أو رواية إن خالفت نصاً قرآنياً محكماً بيناً لكل ذي لب سليم وفهم مستقيم.

جواب سؤال ۲: موضوع تبرک جستن به قبور، به این اعتبار که اینها جاهایی است که اجساد اولیای الله را دربر گرفته‌اند و در نتیجه پنجره‌ی ارواح مقدس آنها به سوی این عالم می‌باشند، موردی است که قرآن بر آن صحّه گذاشته و بر این عمل تشویق و ترغیب نموده است. حق تعالی می‌فرماید: (به این ترتیب مردم را به حال‌شان آگاه کردیم تا بدانند که وعده‌ی خدا راست است و در قیامت تردیدی نیست. آنگاه درباره‌ی آنها با یکدیگر به گفت‌وگو پرداختند و گفتند: بر روی آنها بنایی برآورید. پروردگارشان به کارشان آگاه‌تر است و آنان که بر حالشان آگاه‌تر شده بودند، گفتند: نه، اینجا را مسجدی می‌کنیم) ([73]). اگر گفته‌ی کسانی که می‌خواستند بر قبور اصحاب کهف مسجدی برپا کنند باطل می‌بود، به یقین خداوند سبحان آن را رد می‌کرد و بطلانش را بیان می‌فرمود. مَهْمَل گذاشتن این مطلب و کوتاه آمدن در مقابل آن، فریفتن به باطل است و از خدای سبحان بسی دور و ناممکن است که بندگان را به باطل بفریبد و به آنها نیرنگ بزند. بنابراین مشخص شد که گفته‌ی (آنان که بر حال‌شان آگاه‌تر شده بودند گفتند اینجا را مسجدی می‌کنیم) حق و حقیقتی از جانب خداوند است. بنابراین تبرک به قبور در دین خدا وجود دارد و هر حدیث یا روایتی که با متن محکم قرآن - که برای هر صاحب خرد رسته از شرک و دارای درک درست و بی‌غُلّ و غش رسا است - معارض باشد، به کلی بی‌ارزش و بی‌اعتبار است.

ج س ۳: أما بالنسبة للسب والشتم فليست من أخلاقنا وأسأل الله أن يمن عليّ ويجعلني ممن يغفرون لمن يسيء لهم، وأعوذ بالله أن يجعلني جباراً شقيماً، وقد نهيت المؤمنين والمؤمنات عن الخلق السيئ الذي يسيء لهم أولاً وللإسلام الذي جاء به محمد(ص) ثانياً باعتبارهم محسوبين عليه(ص)، وطلبت منهم أن يتحلوا بأخلاق القرآن، ويعلم كثير منهم كم مرة طلبت منهم قراءة بعض السور التي تبين الأخلاق الإلهية والعمل بها، فالاستهزاء والسب والشتم والتنازع بالألقاب والتعرض

لأعراض الناس وكل خلق لا يرضاه الله فهو منبوذ مرفوض رفضاً قاطعاً
عندنا لا نقبله ولا نقبل أن يتخلق به أحد من المؤمنين والمؤمنات.

جواب سؤال ۳: سبّ و دشنام از اخلاق ما نیست و از خداوند درخواست می‌نمایم که بر من منت نهد و مرا در زمره‌ی کسانی قرار دهد که بدی‌کنندگان نسبت به خودشان را می‌بخشایند و به خداوند پناه می‌برم از این که مرا ستم‌کار بدبخت گرداند. من برادران و خواهران مؤمن را از اخلاق ناپسندی که در وهله‌ی اول برای خودشان بد است و در وهله‌ی دوم به اسلامی که حضرت محمد (ص) آورده است بی‌احترامی می‌کند - از این رو که پیرو و هوادار او هستند - نهی نموده‌ام و از آنها خواسته‌ام که خود را به اخلاق قرآن بیارایند. بسیاری از آنها می‌دانند که من چقدر از آنها درخواست کرده‌ام برخی سوره‌هایی که اخلاق الهی را تبیین می‌کند بخوانند و به آن عمل کنند. مسخره کردن، سبّ و شتم، به لقب زشت خواندن، متعرض آبروی مردم شدن و هر اخلاقی که مورد رضایت خدا نباشد، به طور قطع از نظر ما مردود است و ما آن را نمی‌پذیریم و راضی نیستیم که احدی از مردان و زنان مؤمن به آن متخلق گردد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

أحمد الحسن - ذو القعدة / ۱۴۳۰ هـ ق

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - ذی قعدة 1430 هـ ق



[\[67\]](#) - بقره: 30.

[\[68\]](#) - البقرة: 285.

[\[69\]](#) - بقره: 285.

[\[70\]](#) - البقرة: 180.

[\[71\]](#) - بقره: 180.

[\[72\]](#) - الكهف: 21.

[\[73\]](#) - كهف: 21.